

## سخنرانی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث - 24 / بهمن / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

عید بزرگ مبعث را که یقیناً یکی از بزرگترین اعیاد هم‌ی بشریت است، به مستضعفان عالم، ملت‌های مسلمان، ملت عزیز و مؤمن و قهرمان ایران و به شما آقایان محترم تبریک عرض می‌کنم.

این حرف درستی است که ما ادعا کنیم بعثت خاتم الانبیاء ( صلی الله علیه و آله و سلم ) عید بشریت است؛ چون در این مقطع، با تعالیم اسلام، هم‌ی دردهای اصلی بشریت، با بهترین‌ها و تداوی‌ها، قابل تداوی شده است و همان‌طور که امیرالمؤمنین ( علیه الصلاة و السلام ) درباره پیامبر ( ص ) فرمود: "طیب دوار طبه قد احکم مراهمه وأحمی مواسمه"، مرهم زخم‌های کهنه‌ی لاعلاج بشریت را آماده داشت.

از اولین لحظات بعثت و وحی بر نبی اکرم ( صلی الله علیه و آله و سلم ) هم‌ی وسایل برای صلاح و اصلاح جامعه بشری، در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفت. در همین سوره‌ی مبارکه‌ی علق، بعد از نام خدای متعال و امر به پیامبر اسلام برای قرائت، اشاره می‌کند که "خلق الانسان من علق". بشری که بزرگترین درد او، خودخواهی و طغیان و خودبزرگ‌بینی و خودغنی‌بینی است، به این بشر تذکر می‌دهد که "خلق الانسان من علق"; منشأ تو علق است. آن‌که تو را خلعت هستی و کمال و تکریم پوشانید، خداست. باید در مقابل او، همیشه احساس بندگی کنی؛ طغیان نکنی؛ بر ارزش‌های الهی سرکشی نکنی؛ خود را به جای خدا، فرماندهی حیثه‌ی زندگی انسان به حساب نیاوری. این، اولین کلمه است که بعد از دو، سه آیه هم می‌فرماید: "کلا ان الانسان لیطغی. ان رآه استغنی". این‌که انسان، خودش را غنی ببیند و مستغنی به حساب بیاورد، او را به طغیان وادار خواهد کرد.

ملاحظه بفرمایید، دردهای همیشگی بشر، همین‌هاست. درد بزرگ بشریت، از زمان حضرت آدم و ماجرای پسران آدم تا همیشه‌ی دنیا، خودخواهی و خودپرستی و سرتافتن از اطاعت خدا و ظلم و تبعیض و جهل است که بر اثر جهالت و ناآگاهی، راه را خطا می‌کند و پیامبران و راه‌هدایت را نمی‌شناسد و با کوتاه‌بینی خود، آنچه را که ناصواب است، صواب می‌پندارد. در همین سوره‌ی مبارکه‌ی علق، بلافاصله بعد از افتتاح سوره می‌فرماید: "اقرأ و ربك الاکرم". خدای تو، کریمترین است و نشانه‌اش این است که "الذي علم بالقلم". در این سوره، تعلیم انسان، آگاهی دادن به انسان و قلم را به انسان سپردن، یادآوری شده است.

سیاه‌روزی‌های بشریت که به ظلم و استضعاف و عقب‌ماندگی و برادرکشی و سخت‌زندگی کردن در این عالم منتهی شده است، و نیز استفاده نکردن از مواهب الهی در عالم و بقیه‌ی نابسامانی‌های زندگی انسان، چه آن چیزهایی که فقط و فقط به حیات این نشئه مربوط است - مثل حواجی انسان، خوراک و دیگر نیازهای بشر - و چه آن چیزهایی که به حیات جاودانه‌ی انسان ارتباط پیدا می‌کند - مثل گمراهی‌ها و ظلم‌ها و خلفکاری‌ها و ناپاکی‌ها و آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری بشر - هم‌ی اینها در جهان‌بینی بعثت اسلامی، با واقعیت ملاحظه شده و برای آن، علاج معین گردیده است. لذا اگر بشر، این دین و این مجموعه دستورالعمل سعادت را می‌فهمید و می‌شناخت و عمل می‌کرد و تسلیم آن می‌شد، امروز در این همه فلاکت و نابسامانی نبود.

اگر با چشم واقع‌بین نگاه کنیم، تیره‌روزی‌های امروز بشر، با چند هزار سال پیش تفاوتی نکرده است. این‌که به جای وسایل ابتدایی، ابزار مدرن و برخوردار از سرعت و سهولت در اختیار بشر قرار بگیرد، به‌طور مطلق مایه‌ی سعادت نیست. البته ممکن است در شرایطی، مایه‌ی سعادت باشد؛ ولی در شرایطی هم مایه‌ی بدبختی بیشتر است.

پیشرفت علم، برطرف کننده‌ی نابسامانی‌های زندگی بشر نشد و نمی‌توانست بشود.

امروز بشریت از همان چیزهایی رنج می‌برد که پانصد سال پیش، هزار سال پیش، پنج هزار سال پیش و بیشتر و بیشتر، از آنها رنج می‌برده است. آن روز هم بشر از ظلم و محنت غلبه‌ی انسان‌های ددصفت رنج می‌برد؛ امروز هم انسانها از ظلم و برادرکشی و غلبه‌ی قدرتها و قدری‌های جهانی رنج می‌برند و اسیر همان دام‌ها و بدبختی‌هایی هستند که آن روز بودند. در گذشته هم عده‌ی به رفاه می‌گذراندند. برای کسانی که برخوردار بودند، برق نبود، اما لذت

زندگی بود؛ جت نبود، اما راحتی در سفرها و رفت و آمدها بود؛ امروز هم برای برخوردارها هست. چیزی در مجموعه‌ی زندگی انسان عوض نشده و جهالتهای حقیقی بشر، از بین نرفته است. آن روز هم بسیاری از انسانها، نسبت به سعادت واقعی، در جهل می‌زیستند؛ امروز هم همان‌طور است. آن روز هم قرآن فرمود: "و ما قدروا الله حق قدره"، خدا را درست بجا نمی‌آوردند؛ امروز هم همان‌گونه است. آن روز هم گروههایی مستکبر و گروههایی مستضعف بودند؛ امروز هم همان‌طور است. اگر هزار سال دیگر هم، دنیا همین‌طور پیش برود و پیشرفتهایی در آن به وجود بیاید، مادامی که دین خدا حاکم نشده باشد، باز عده‌ی مستکبر و عده‌ی مستضعفند. دین آمد، برای این که ناکامیهای بشر را از بین ببرد. امروز ناکامیهای بشر، به خاطر اعراض از معنویت و دین و تعالیم عالی‌ی اسلامی، همچنان باقی است و از بین نرفته است.

ببینید امروز در سایه‌ی حکومت‌های مستکبر، بر انسانها چه می‌گذرد. ببینید این جنگ‌های خانمان‌برانداز و نسل‌کش - که به وسیله‌ی قدرتها به راه می‌افتد - با مردم چه می‌کند. ببینید قدرتی مثل آمریکا، امروز در دنیا با انسانها و ملتها و کشورها، چه معامله‌ی می‌کند. امروز، ملت عراق مطرح است؛ ملتی که حرث و نسلش، به وسیله‌ی قدرتها و قدرتهای عالم هلاک می‌شود: "و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد". اینها در حال فساد روی زمین هستند؛ اما همیشه که ملت عراق نبود. تا چند صباح قبل، ملت ایران و عراق، به خاطر جنگی که به دست همین قدرتها و همین ابرقدرتها تحمیل شده بود، هلاک می‌شدند و حرث و نسلشان از بین می‌رفتند. قبل از آن، جای دیگر؛ بعد از آن، جای دیگر.

وقتی که دین نیست، بنای دنیا، بنای استکباری است. دین، علاج این نابسامانیهاست. ملت‌های مسلمان باید امروز بزرگترین وظیفه‌ی خودشان را بازگشت به اسلام و حاکمیت آن بدانند. این، عزیزترین و فوریت‌ترین و بزرگترین مؤثرترین هدفی است که امروز ملت‌های مسلمان می‌توانند دنبال کنند؛ علاجی هم جز این نیست. ملت‌های دیگر، آن نظام ارزشی‌ی را که برطبق آن عمل بکنند، ندارند. بنابراین، در دام ناسیونالیسم‌های افراطی جاهلانه‌ی کور خواهند افتاد، که دیدیم دیگر. دیدید که ناسیونالیسم، بر سر خانواده‌ی بشری چه آورده است. ممکن است به فرض، ناسیونالیسم برای یک ملت هم چند صباحی احساس حرارت و غرور و شور و نشاطی به وجود بیاورد؛ اما خانواده‌ی بشری را از بین می‌برد. در همین منطقه سعی کردند بین برادران مسلمان، ناسیونالیسم ایرانی و عربی و ترکی به وجود بیاورند و در داخل کشورها نیز، به ناسیونالیسم‌های فرعی و جورواجور دامن بزنند و اینها را از هم جدا کنند. این، نقشه‌ی استعمار بود.

بحمدالله انقلاب اسلامی، لااقل در بخشی از این منطقه، این مسایل را علاج کرد. اگر یک نظام ارزشی و یک جهان‌بینی صحیح، بر ملتی حاکم نباشد، به دام این‌گونه تفکرات خواهد افتاد. متأسفانه ادیان دیگر هم آن نظام ارزشی را که با آن بشود یک جامعه را اداره کرد، ندارند؛ مدعی هم نیستند. پایه‌های تشکیل یک نظام اجتماعی، در ادیانی که امروز در دست‌وبال مردم هست، وجود ندارد - البته در اصول و شکلهای صحیحش حتما بوده است - اما مسلمین، این اصول را دارند.

مسلمین باید به نظام اسلامی و تفکر اسلامی برگردند، تا خودشان را به عزت برسانند و با نیروی یک میلیاردی خود بتوانند دنیا را هم به سمت عزت پیش ببرند. این، امروز علاج کار است و پیام بعثت خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم) همین است. اگر این‌طور بشود، این قلدربهایی که نشانه و نمونه‌اش را، شما در خلیج فارس می‌بینید، دیگر در دنیا رنگ و بو و امکان عمل نخواهند داشت.

امروز آمریکا در رأس یک مجموعه‌ی استکباری، در این منطقه از ضعف مسلمانان استفاده می‌کند. چرا باید در منطقه‌ی اسلامی محض بیایند و به بهانه‌ی تأمین منافع خودشان، چنین وضعیت رقتبار و فاجعه‌آمیزی را به وجود بیاورند؟ چرا باید آمریکا جرأت کند که چنین کاری را انجام بدهد؟ اگر همه‌ی مسلمانان - ملتها و دولت‌ها با هم - می‌ایستادند، این حادثه‌ی فجیع به وقوع نمی‌پیوست.

البته این حادثه، پوچ بودن قدرت آمریکا را نشان داد و - همچنان که مکرر گفته‌ایم - هر روزی هم که می‌گذرد، این معنا واضحتر می‌شود و جنگ خلیج فارس، فاتحی نخواهد داشت. بیهوده گمان نکنند که اگر آمریکا فلان مانور و

تاکتیک و شکل جنگی را انتخاب نکند، پیروز خواهد شد. برای امریکا، پیروزی در این جنگ متصور نیست. ممکن است غلبه‌ی نظامی پیدا نکند؛ اما پیروزی چیز دیگری است. امریکا تا همین حالا هم شکست خورده است. امریکا با ورودش به این منطقه و با مواجه کردن خود با ملت‌های مسلمان - که عموماً و یا غالباً او را محکوم کردند - و با فجایعی که به وجود آورده است و هنوز روی آنها پرده کشانده‌اند و بعداً ابعاد این فجایع، بیشتر آشکار خواهد شد و بیشتر معلوم خواهد گردید که چه قدر زن و مرد و کودک و بیمارستان و مدرسه و خانه را نابود کرده‌اند و از بین برده‌اند - تا حالا هنوز نگذاشته‌اند دنیا بفهمد که چه دارد می‌گذرد - و با چهره‌یی که از خود در میان ملت‌های منطقه و دنیا ترسیم کرد و با ناتوانی‌یی که در پیشبرد کارهای خود نشان داد - که جز این هم هیچ سرنوشتی منتظر قدرتهای پושالی نیست - با این مقدمات، امریکا شکست خورده است.

البته همان طوری که مسؤولان محترم و دولت گرامی ما بارها اعلام کرده‌اند، در این جنگ وارد نخواهیم شد؛ اما احساسات و قضاوت ما در این جنگ، مشخص است. ما معتقدیم که ملت عراق و ملت‌های منطقه و ملت کویت، مظلوم واقع شده‌اند. آنچه باعث این حادثه و قائله شد، افزون‌طلبی و قدرت‌طلبی بود. این قدرت‌طلبی، منفور و زشت است؛ چه از سوی رهبران و رؤسای عراق و چه از سوی امریکا و متحدان اروپاییش و غیرهم. همین تصور غلط از قدرت و قدرتمندی و نیز توهم اختیارداری نسبت به ملتها - که این قدرتهای غاصب و ظالم برای خودشان قائلند - این فاجعه را به وجود آورده است. این فرهنگ باید در دنیا عوض بشود.

رؤسای کشورها، رؤسای جمهور و مسؤولان ملتها حق ندارند ملت‌های خودشان را به ورطه‌های فنا و هلاکت بکشانند و برای منافع ملت‌های خودشان یا به نام آنها، ملت‌های دیگر را نابود کنند. این قدرتی که اینها به آن متکی هستند، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است. فرهنگ صحیح الهی، این قدرت را غاصبانه می‌داند و کسانی که مثل همین آقایان رؤسای امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی و غیره، از این قدرتها استفاده می‌کنند، آن را جنایت به حساب می‌آورد. این، زمامداری و سیاستمداری نیست؛ این، جنایتمداری است.

بحمدالله ملت ایران با تمسک به اسلام، بزرگترین پیروزی را به دست آورده است. پیروز دیدید و دیدند. اگرچه تبلیغات جهانی، هنوز از روی بغض و کینه حاضر نیستند که به این حرکت و حضور عظیم مردمی و این طبیعت خالص و ناب و درخشان ملت ایران، باز هم اعتراف کنند؛ اما منصفان و ناظران دیدند که ملت ایران حقیقتاً در کمال عظمت توأم با نجابت، انقلاب خودش را پاسداری کرد و در روز بیست و دوم بهمن امسال، قدر زحمات امام و رهبر و پدر و مرشد عالی‌قدر خود را دانست و آن انسان والا و استثنایی را ارج نهاد و احترام کرد. من از یکایک آحاد ملت عزیزمان در سرتاسر کشور، متواضعانه سپاسگزاری می‌کنم. ان شاءالله خداوند یار شما باشد. قلب مقدس ولی‌عصر، همواره به شما مهربان و دعاگویتان باشد. روح مطهر آن امامی که شما را تربیت کرد، این ملت را پدید آورد و این جامه‌ی عزت را بر شما پوشانید، ان شاءالله همواره از شما راضی باشد. شما خوب امتحانی دادید. ملت ایران، خوب حرکتی کردند. ملت‌های دیگر باید این صمیمیت و قاطعیت و تصمیم و این حضور همیشگی و مداوم در صحنه‌های محتاج حضور را تعلیم بگیرند.

مجدداً این عید سعید را تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم که خداوند ان شاءالله شما آقایان محترم و میهمانان عزیز و مسؤولان محترم کشور را در تحت توجهات خود حفظ نکند و مسؤولان محترم کشور را مشمول الطاف و تأییدات خود قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته